

شبهه

شبهه شناسی گفتمان سازی و پاسخ گویی

۱۵

ماهنامه ویژه پویش مطالعاتی دانشجویان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)
شماره پانزدهم / شهریورماه ۱۴۰۲

میعاد شیعیان در یک کنگره جهانی □ من لیاقت پیاده روی اربعین رو ندارم! □ قدم قدم، سوی حرم... □ حکایت محبت و شیدایی □ ظرفیت های بین المللی اربعین □ سه شبهه پرتکرار اربعینی □ اربعین، روزنه نوری در جهان تاریک امروز □ اربعین حسینی

شبهه روز

میعاد شیعیان در یک کنگره جهانی

تحقق پیش بینی ۵۰ ساله رهبر معظم انقلاب درباره کنگره جهانی اربعین



شیعه، تپش روز عاشورا مشهود است. شیعه هر جا که هست، دنباله روی عاشورای حسین علیه السلام است. این هم که می بینی همه جا این تپش هایی که در شیعه مشهود شده، از آن مرقد پاک، ناشی شده است؛ شعله هایی بوده که از آن روح مقدس و پاک و از آن تربیت عالی مقدار، سرکشیده، به جان ها و روح ها رسیده و انسان ها را به گلوله های داغی تبدیل کرده، آنها را به قلب دشمن فرو برده است...

اربعین، یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره بین المللی و جهانی، در سرزمینی که خود

آن سرزمین، خاطره انگیز است؛ سرزمین خاطره ها است؛ خاطره های باشکوه؛ خاطره های عظیم؛ سرزمین شهدا و مزار کشته شدگان راه خدا. اینجا جمع بشوند پیروان تشیع و دست برادری و پیمان وفاداری بیشتر ببندند. این اربعین است...

به این ترتیب، تشیع، یک سازمان و یک تشکیلات بود. ممکن بود دو نفر از حال هم خبر نداشته باشند؛ اما بودند کسانی که از حال همه، باخبر بودند.

اربعین، یعنی میعاد شیعیان در یک کنگره بین المللی و جهانی، در سرزمینی که خود آن سرزمین، خاطره انگیز است؛ خاطره های باشکوه؛ خاطره های عظیم؛ سرزمین شهدا و مزار کشته شدگان راه خدا. اینجا جمع بشوند پیروان تشیع و دست برادری و پیمان وفاداری بیشتر ببندند. این اربعین است

این کنگره جهانی را معین کردند؛ وقتش را هم معین کردند؛ گفتند در این موعد معین، در آن کنگره، هر کس می تواند، شرکت کند. آن موعد، روز اربعین است و جای شرکت، سرزمین کربلاست. چون روح شیعه، روح کربلایی و عاشورایی است. در کالبد

۵۰ سال پیش، یعنی زمانی که هنوز مراسم اربعین به شکوه امروز شکل نگرفته بود، حضرت آیت الله خامنه ای، در روز ۲۴ اسفند ۱۳۵۲ ش. مصادف با ۲۰ صفر ۱۳۹۴ ق. در جلسه ای در مسجد امام حسن علیه السلام در مشهد مقدس، به مناسبت اربعین حسینی، تحلیلی تاریخی و جامع از چرایی اهمیت زیارت اربعین، ارائه داد که این بیانات را به شرح زیر می خوانیم:

می دانید یکی از علائم ایمان، زیارت اربعین است؟... شیعه، یک جمع متفرقی بود؛ یک جامعه ای بود که در یک جا و در یک مکان، زندگی نمی کردند. در مدینه بودند؛ در کوفه بودند؛ در بصره بودند؛ در اهواز بودند؛ در قم بودند؛ در خراسان بودند و اطراف و اکناف بلاد؛ اما یک روح در این کالبد متفرق و در این اجزای متشتت، در جریان بود و مثل دانه های تسبیح، یک رشته و یک نخ، همه اینها را به هم وصل می کرد. چه بود آن رشته؟ رشته اطاعت و فرمانبری از مرکزیت تشیع، از رهبری عالی تشیع، یعنی امام. همه این رشته ها به آنجا متصل می شد. قلبی بود که به همه اعضا فرمان می داد.

من لیاقت پیاده روی اربعین روندارم!

شما از عزاداری، ایجاد یک شعور خوبه؛ اما اگر عزاداری، این شعور رو به همراه نیاره، اصلاً به درد نمی خوره؟

گفت: بیخشد حاجی! من خیلی کلاس بالا نیستم؛ به خورده فیتیله را پایین بکش تا بفهمم!

گفتم: ببین؛ شاید شما درباره ثواب شعر گفتن برای امام حسین شنیده باشی؛ اینکه اگر کسی، با گفتن شعر، خودش و دیگران را بگریونه، چقدر ثواب داره. مطابق روایات، متحول شدن مهمه؛ شاید توی متحول شدن، آدم به یک شعور عالی نرسه؛ اما در عین حال، روحش با امام ارتباط برقرار کنه؛ پس خود این هم قضیه مهمیه. ما بعضی وقت ها یک انتظاری از عزاداری داریم که مطابق با آنچه که به ما رسیده نیست؛ نه اینکه خلاف اون هست؛ بلکه

انتظار زیادی است. البته ما می گیم حالا که این حالت ایجاد شده، از این فضا استفاده کن و معرفت هم کسب کن؛ چون معرفتی که در این حالت ایجاد می شه، توی دل ها رسوخ پیدا می کنه؛ اما چنین نیست که اگر در این مجلس، به هیچ معرفت معینی نرسیدی، دیگر به درد نمی خوره؛ ما باید انتظارمون رو از مسئله درست کنیم. بالاترین ارزش در دین اسلام، معرفت؛ اما قرار نیست اگر معرفت به آن معنایی که در ذهن ماست، حاصل نشد، پس دیگر عزاداری به درد نمی خوره.

نقل می کنند که جوانی از انصار، با پیامبر اکرم نماز می خونده؛ اما مرتکب گناه می شد. این رو به اطلاع پیامبر رسوندند. حضرت فرمود: صبر کنید؛ همین نمازی که در نگاه شما به درد نمی خوره، او رو نجات می ده. در نگاه دینی، این عزاداری، حتماً مؤثر واقع خواهد شد؛ گرچه فعلاً اثر نگذاشته؛ اما باید انتظارمون رو تصحیح کنیم. ما گوشمان به کلام اهل بیت که فرمودند: عزاداری را برپا کنید. اگر فردی، چند سال عزاداری رفت، اما آدم خوبی نشد، تحلیل نکنیم که این عزاداری به دردش نمی خوره؛ شاید این آدم، زمان بیشتری نیاز داره. مگر ما از باطن این گونه افراد خبر داریم؟ شاید گناه هم می کنه؛ اما آیا واقعاً هیچ اثری نپذیرفته؟ شاید قبلاً با خیال راحت گناه می کرده، اما الان از اینکه گناه می کنه، در عمق وجودش ناراحته. در روایتی از امام صادق آمده که ناراحتی بعد از گناه، بهتر از خوشحالی (عُجب) بعد از عمل صالحه. مثلاً شخصی بعد از عزاداری، بره گناه کنه، اما بعدش ناراحت بشه؛ یعنی با خودش بگه: عجب کاری کردم؟

بیخشد دوست عزیز! الان صدای اذان می آد؛ ادامه بحث، اگر دوست داشته باشی، بعد از نماز در خدمتیم...

دیگه نای راه رفتن نداشتم. گرما مانم رو بریده بود؛ اما وقتی توی مسیر، چشمم به تابلوی کربلا خورد، یک باره همه چیز عوض شد. فکر رسیدن به کربلا، نیروی تازه ای به من داده بود. حس و امید رسیدن، خستگی رو از تنم درآورده بود؛ اما انگار پاهام شرم داشتند با کفش تا کربلا راه بروم. انگار از اهل بیت امام، خجالت می کشیدم.

حوالی ساعت شش و نیم عصر بود. کفشامو درآوردم و وارد صحن شدم. دیدم بعضی زائرا، کفش هاشان را از بند، به کیفشان آویزان کرده بودند. یاد خُر افتادم؛ حری که وقتی می خواست با تمام خطاهایی که کرده بود، از امام حسین علیه السلام عذرخواهی کنه، چکمه هاش رو پر از خاک و سنگ کرد و سر به زیر انداخت و رفت طرف ارباب. الان حال من هم این جوریه. به کفش هام که از گردن آویزان بودند، زل زده بودم و گفتم: خدا کنه من رو هم قبول کنن...

توی اون شلوغی، خودم رو رسوندم به ضریح و زیر قبه آقا، شروع کردم به اشک ریختن و دعا کردن. بعد از زیارت، گفتم برم توی یکی از این اتاق های روبه روی ضریح بشینم و از دور، خوب به گنبد و صحن و سرای آقام نگاه کنم تا تصویری به بلندای آسمون، توی ذهنم حک بشه. دیدم توی یکی از اتاق ها، میز و صندلی گذاشتن و کسی هم داخل اتاق نیست. داخل شدم و نشستم روی صندلی. دیدم دونه دونه زائرا می آن توی اتاق.

چه خبر شده؟ اونا به ظاهر من نگاه کردن و فکر کردن این میز رو اینجا گذاشتم تا پاسخگوی سوالات و شبهات اونا باشم. اونا هم شروع کردن به پرسیدن سوالات شرعی و دینی. من هم کم نیاوردم و زُست حاج آقایی بهم دست داد و گفتم بفرمایید.

یکی از زائرا که یک جوون ایرانی بود، گفت: حاج آقا! قبل اینکه پیام، به دوستم زنگ زدم گفتم امسال خودتو آماده کن می خواهیم با هم بریم پیاده روی اربعین. با صدایی بغض آلود گفت: «من امسال توفیق ندارم پیام. آخه پارسال به آقا قول دادم بعد از اربعین، دیگه دنبال گناه نرم؛ اما نمی دونم چرا دوباره پام لیز خورد. به خاطر همین، خجالت می کشم پیام. چشمم بیفته به گنبد آقا، چی بهش بگم؟ تو رفتی کربلا، سلام منو به آقا برسون و به آقا بگو شرمندتم نتونستم روی حرفم بایستم. فکر می کنم این پیاده روی و عزاداری، اصلاً به درد نمی خوره! من که آدم نمی شم». من هم خیلی ناراحت شدم که امسال دوستم کنارم نیست.

یه نگاهی به موهای فر فریش کردم و گفتم: گاهی وقت ها نگاه ما نسبت به یک مسئله، بر اساس انتظاراتیه که ما از اون مسئله داریم؛ اما سؤال مهم اینه که آیا انتظار ما از اون مسئله، انتظار قابل قبول و صحیحی هست یا نه؟ ببین؛ انتظار

به آقا قول دادم بعد از اربعین، دیگه دنبال گناه نرم؛ اما نمی دونم چرا دوباره پام لیز خورد. به خاطر همین، خجالت می کشم پیام، چشمم بیفته به گنبد آقا، چی بهش بگم؟ تو رفتی کربلا، سلام منو به آقا برسون

قدم قدم، سوی حرم...

روایات معتبر اسلامی، از تأکید پیشوایان دین بر زنده نگه داشتن یاد و خاطره جانبازی‌های شهیدان کربلا، حکایت می‌کند.^۱ روایات اهل بیت در فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام از راه دور و نزدیک، در حد تواتر معنوی است. روایت منسوب به امام عسکری علیه السلام، زیارت اربعین را یکی از نشانه‌های شناخت شیعیان معرفی می‌کند.

پیاده‌روی به سوی کربلا با قصد زیارت امام حسین علیه السلام، مخصوص شیعیان نیست و بسیاری از اهل سنت و دیگر ادیان الهی نیز در این مراسم شرکت می‌کنند. در ادامه، به یکی از آثار پیاده‌روی اربعین اشاره می‌کنیم.

هجرت نمادین به سوی ولی خدا

دقت در صورت و معنای مناسک دینی، نشان می‌دهد که بخش فراوانی از رفتارهای دینی، جنبه نمادین دارند. حرکت‌هایی که در نماز انجام می‌دهیم، مناسک حج و بسیاری دیگر از رفتارهای دینی، رفتارهایی نمادین و نشانه خضوع و فرمان برداری از خداوند متعال هستند. پیاده‌روی معنوی در یک مسیر مشخص، در برخی از ادیان و مذاهب غیراسلامی نیز وجود دارد.^۲

در روایات اهل بیت، معرفت خداوند متعال، متوقف بر معرفت امام معرفی شده است.^۳ امام حسین علیه السلام، مظهر رحمت، هدایت و رهایی بخشی خداوند است.^۴ امام، خلیفه خدا بر روی زمین و سرپرست مؤمنان است.^۵ حضور در محضر امام و بیعت با او و اظهار وفاداری به آرمان‌ها و ارزش‌های او، شرط باریابی به ساحت ایمان و ولایت خداست. فردی که با پای پیاده، از نجف تا کربلا می‌رود و پایان سفرش، حضور در مضجع امام و اعلان بیعت با اوست، در واقع، نوعی مهاجرت نمادین را از خود به سمت خداوند به نمایش می‌گذارد.

زیارت اولیای الهی، در زمان حیات و پس از مرگ آنها، تفاوتی ندارد.^۶ بنابراین، حرکت به سوی حرم امام حسین، بازسازی نمادین هجرت از خودخواهی به سوی خداخواهی و گذاردن دست بیعت و اطاعت در دست خداست؛ چنان که هجرت از مکه به مدینه در زمان پیامبر، هجرت به سوی خداوند، قلمداد شده است.^۷ زائر، با رفتار نمادین خود، از ژرفای وجود، هجرتی را به سوی ولی خدا شکل می‌دهد که در همه ابعاد و ساحت‌های وجود او (فکری، احساسی و رفتاری)، تأثیری شگرف گذاشته، او را آماده اطاعت داوطلبانه و جان‌نثاری در راه خدا، به فرمان ولی خدا، می‌گرداند.

اگر زائر حسینی، در پیاده‌روی به سوی حرم امام حسین علیه السلام به این جنبه از عمل خود توجه کند، سفر او و سختی‌هایی که بر بدن خود وارد می‌کند، او را از لحاظ روحی، آماده ورود به ساحت ولایت خدا ساخته، فکر، عاطفه و عمل او را در جهت اطاعت از خدا و بهره‌گیری از هدایت تام و کامل الهی - که به واسطه نور وجود امام حسین پرتوافکن است - حرکت می‌دهد.

حرکت به سوی حرم امام حسین، بازسازی نمادین هجرت از خودخواهی به سوی خداخواهی و گذاردن دست بیعت و اطاعت در دست خداست؛ زائر، با رفتار نمادین خود، از ژرفای وجود، هجرتی را به سوی ولی خدا شکل می‌دهد که در همه ابعاد و ساحت‌های وجود او، تأثیری شگرف گذاشته، او را آماده اطاعت داوطلبانه و جان‌نثاری در راه خدا، به فرمان ولی خدا، می‌گرداند.

■ احمد رضا فامیل در دشتی

پی نوشت:

۱. رک: جعفر بن محمد، ابن قولویه، کامل الزیارات.
۲. <https://www.hamshahronline.ir/news/628563>
۳. صدوق، علل الشرایع، جلد ۱، ص ۹.
۴. محدث قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۲۵۷ و بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۵.
۵. کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۲۰۰، ح ۱.
۶. مجلسی، جامع الأخبار، ج ۱، ص ۲۰.
۷. نساء، آیه ۱۰۰: شعیری.





معرفی کتاب

حکایت محبت و شیدایی

قرآن را نمی‌بوسند؟ آیا معنای این بوسیدن، عشق به جلد قرآن یا کاغذ، پلاستیک و چرم است؟ خیر، علتش مشخص است؛ چون داخل آن، قرآن است، به احترام قرآن، این کاغذ، احترام پیدا کرده است. مسلمانان هم اگر این در و دیوار را می‌بوسند، نه به خاطر اینکه عاشق در و دیوار و چوب و سنگ و فلز هستند؛ بلکه چون اینها وابسته شده و به یک شخصیت بزرگوار، نسبت پیدا کرده، به عشق آنها، اینها را می‌بوسند.

به یک مثال برای درک بهتر مطلب، دقت کنید. یک زمین تا موقعی که وقف مسجد نشده، اگر نجس شود، واجب نیست آن را پاک کنند یا کسی که عذر شرعی دارد، ورودش به آن، اشکالی ندارد؛ اما از لحظه‌ای که این زمین به عنوان مسجد، وقف شد، از همان لحظه، احکام خاصی پیدا می‌کند؛ یعنی اگر نجس شد، فوراً باید آب کشیده شود. در حالی که این خاک، همان خاک است؛ اما حالا چون به خدا نسبت پیدا کرده، می‌گویند اینجا مسجد است؛ خانه خدا و محل عبادت است و احترام پیدا می‌کند.^۱ از زمان وقف به بعد، در همان زمین و خاک، اگر کسی که عذر شرعی دارد مثل غسل جنابت و مانند آن - حق ندارد یک لحظه آن جا بماند. چوب و در و دیوار و... از زمانی که منتسب به پیامبر یا یکی از بزرگان دین و اهل بیت می‌شوند، به احترام آنها، احترام پیدا می‌کند. پس تبرک جستن و بوسیدن ضریح و در و دیوار حرم و مرقد پیامبر و ائمه، هیچ اشکالی ندارد و بدعت و شرک نمی‌باشد.

پی‌نوشت:

۱. صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۸۸.
۲. توضیح المسائل (امام خمینی)، ص ۲۰۰، مسأله ۸۸۲.

به ایشان بود، حتی لباس حضرت را می‌بوسیدند. نمونه‌ای از بوسیدن دست پیامبر اکرم، در این گزارش آمده است: «رسول خدا در هوای گرم تابستان، به سوی شهر بطحا خارج شد و وضو گرفت و نماز ظهر و عصر را به صورت شکسته به جای آورد. سپس مردم برخاستند و برای تبرک، خود را به پیامبر نزدیک کردند. آنها دست‌های پیامبر را می‌گرفتند و بر صورتشان می‌مالیدند. راوی می‌گوید: من هم دست حضرت را گرفتم و به صورتم گذاشتم؛ دستانی که از برف، سردتر و از مشک، خوش‌بوتر بودند!»^۱

حال که آنها حیات ظاهری ندارند، در امتداد همان عشق به حضرات، موقعی که مومنان وارد حرم آنها می‌شوند، در و دیوار حرم را می‌بوسند. بدهت و متعارف بودن این کار، به حدی است که در اشعار عرب، در وصف عشق‌های مجازی، این را بیان می‌کند:

« امّ علی الدیار لیلی
اقبل ذا الجدار و ذا الجدارا
و ما حبّ الدیار شعفن قلبی
ولکن حبّ من سکن الدیارا
از دیار لیلی می‌گذرم؛ این دیوار
و آن دیوار را می‌بوسم؛
علاقه به دیار لیلی،
دلم را تسخیر نکرده
است؛ بلکه آن کسی
که در آن سکونت
دارد، مرا مفتون خود

ساخته است.»

با اینکه چوب و فلز در عالم زیاد است، اما مسلمانان هیچ وقت آنها را نمی‌بوسند؛ ولی همان فلز یا چوب، وقتی تبدیل به ضریح امام حسین علیه السلام شد، آن را می‌بوسند؛ مگر خود و هابیون، جلد

«از عاشورا تا اربعین»، نام اثری است در ۱۵۳ صفحه که به کوشش حمیدرضا جعفری، از سخنان پنج نفر از اساتید حوزه در مدرسه شبیه‌پژوهی، به همین عنوان در سال ۱۴۰۱ش ارائه شده است. استاد محسن فقیهی با موضوع «بررسی پیاده روی اربعین از منظر فقهی»، استاد سیدسجاد ایزدهی با عنوان «اربعین، هویت بخشی و سرمایه اجتماعی»، استاد حسین سوزنچی با عنوان «بایسته‌ها و مرزهای آسیب‌شناسی عزاداری»، استاد ذبیح الله نعیمی با موضوع «الگو بودن امام حسین علیه السلام برای جامعه امروز» و استاد حسن ضیا توحیدی با موضوع «بررسی شبهات و هابیت نسبت به زیارت و توسل». در این صفحه، بخشی از این مکتوب، تقدیم می‌گردد.

بدعت بودن تبرک جستن به قبور اهل بیت

شبهه: علاوه بر اینکه زیارت بدعت است، بوسیدن در و دیوار و ضریح نیز شرک و بدعت است. چرا باید چوب و آهن و فلز را بوسید؟

پاسخ این شبهه، در این نکته نهفته است که وهابیون، نه معنای شرک را فهمیده‌اند و نه بدعت را؛ فلسفه بوسیدن، بسیار روشن است. زمانی که انسان، به کسی

علاقه دارد (مثلاً فرزندش)، او را می‌بوسد یا به پدر و مادرش علاقه دارد، دست آنها را می‌بوسد یا پیشانی مادرش را می‌بوسد. مردم مسلمان، به خاطر عشق و علاقه‌ای که به پیامبر دارند، اگر زمان حیات ظاهری آن حضرت بودند، دست آن حضرت را می‌بوسیدند و هر چه که وابسته

علاقه به دیار لیلی، دلم را تسخیر نکرده است؛ بلکه آن کسی که در آن سکونت دارد، مرا مفتون خود ساخته است.

ظرفیت‌های بین‌المللی اربعین

جهان اسلام، قابلیت بازسازی دارند، در واقعه عاشورا نیز این چنین است؛ یعنی می‌شود نقشه جدیدی از مکاتب فکری، در جهان اسلام و حتی جهان بشریت ارائه کرد.

این جمعیت چند میلیونی زائر که هر کدام از نقطه‌ای از جهان به کربلا می‌آیند، به نوعی می‌تواند آئینه جهان‌نمای اسلام باشد؛ یعنی می‌تواند وضعیت جهان اسلام را به ما نشان دهد. زیرا تبدیل به یک مناسبت واحد جهان اسلام شده است؛ یعنی زائران اروپایی، آفریقایی، آسیایی، آمریکایی و... همه در یک منطقه واحد و در چند روز مشخص، در این مناسبت شرکت می‌کنند. این، دقیقاً آن لحظه‌ای برای اعلای بهره‌گیری و استفاده کردن سازنده از این مناسبت است.

برخی می‌خواهند ادعا کنند که این کنگره جهانی شیعه است؛ ولی بهتر است جریان امام حسین علیه السلام، یک جریان اسلامی تعریف شود؛ زیرا در اربعین، شیعه یا غیر شیعه بودن، فرقی نمی‌کند.

جریان کربلا، جریان نجات جهان اسلام است. امام حسین علیه السلام فرمود: من آمده‌ام همه را امر به معروف کنم؛ یعنی ایشان «امر بالمعروف و ناهی عن المنکر» برای اهل سنت هم است؛ لذا باید به آنها بگوییم: برادران مسلمان! ما شخصیت بزرگواری داریم که ما و شما، در ننگ داشتن حرمت ایشان، هم نظر هستیم؛ با هم ایشان را «سید شهاب اهل الجنة» خطاب می‌کنیم؛ پس با هم به بیاناتش گوش بدهیم. ما می‌گوییم این امام بزرگوار، به دنبال اصلاح امت جدش پیامبر اکرم است. اصلاً نباید گفته شود که ایشان از ما شیعیان است؛ بلکه درست آن است که بگوییم ما از امام حسین علیه السلام هستیم؛ زیرا ایشان، پدر مشترک ماست. پیامبر اکرم فرمودند: «أنا و علی علیه السلام أبوا هذِهِ الْأُمَّةِ»؛ آنها پدر همه امت اسلامی هستند. شما اهل سنت هم بپذیرید. جریان امام حسین علیه السلام، می‌تواند عاملی باشد برای اینکه این زوار چند میلیونی، آئینه جهان اسلام را تکمیل کنند.

باید بعد از ظرفیت‌شناسی امام حسین علیه السلام، در سایه اربعین، ظرفیت‌شناسی انسان معاصر را انجام دهیم. ما اعضای یک نظام واحد با یک پیکره واحد هستیم. این زائران، پل‌های ارتباطی ادبیات ما با جهان هستند. باید شرایطی ایجاد شود که وقتی یک شخص می‌خواهد بداند در جهان اسلام چه خبر است، به او گفته شود باید در مراسم اربعین امسال حضور داشته باشی تا در جریان وقایع جهان اسلام قرار بگیری؛ زیرا در اربعین، گروه‌هایی زیادی از نقاط دور و نزدیک می‌آیند که حامل پیام‌ها و مسائلی هستند. باید هر کس در مراسم اربعین حضور پیدا می‌کند، اولین اتفاق برایش، شناخت وضعیت جهان اسلام باشد.

ظرفیت‌های اربعین، در دسته‌های متعددی قابل بررسی هستند. یک دسته از آنها، مجموعه‌ای از ظرفیت‌های مرتبط با واقعه کربلا، عاشورا، شخصیت امام حسین علیه السلام و نهضت ایشان محسوب می‌شود. در حقیقت، اربعین، مناسبتی خاص برای جهان اسلام است که بهتر است در آن، ظرفیت‌های حسینی و عاشورایی، شناسایی شوند.

اربعین را می‌توان بزرگ‌ترین منبر تبلیغی تاریخ بشریت دانست؛ زیرا در مراسم اربعین، نه تنها بزرگ‌ترین جمعیت متراکم بشری، در یک محدوده زمانی شرکت می‌کنند، بلکه متنوع‌ترین جمعیت هم هستند. ممکن است شخصی بگوید: بودایی‌ها هم در هندوستان توانستند جمعیتی ۱۰ تا ۲۰ میلیونی را جمع کنند؛ ولی هنوز هم مراسم اربعین، منحصر به فرد است؛ زیرا کاملاً متنوع و جهان‌شمول است. مراسمات

بودایی، صرفاً درون مذهبی است و حتی ممکن است از سایر مذاهب داخل خود کشور هند هم حضور نداشته و یک شاخه‌ای باشد. اگر بحث‌های سیاسی - اجتماعی و تنوع موضوع را هم اضافه کنید، اربعین، ویژگی‌هایی دارد که تجمع‌های دیگر، آنها را ندارند.

باعث تأسف است که امت اسلامی، تا حال حاضر، نتوانسته مراسم حجی با ظرفیت‌های اربعین، درست کند. باید این گونه باشد که در جهان اسلام و حتی کل بشریت، از حیث عظمت و هیبت، هیچ کنگره‌ای به تأثیرگذاری مراسم حج نرسد؛ ولی مشکلاتی، مانع تحقق آن است. اینکه چگونه در هر زمان، دکترین‌های انسان‌ساز و جامعه‌پرداز امام حسین علیه السلام را بازآفرینی کنیم، کاری بزرگ است. آیا می‌شود از یک معاصریت حسینی حرف زد؛ به این معنا که یک فهم از نهضت امام حسین علیه السلام برای زمان‌های متعدد و یا هر زمان خاص داشته باشیم؟ چه کنیم که این ظرفیت، به عنصر تغییر و تحول بنیادین انسانیت معاصر بینجامد؟

امام حسین علیه السلام به دنبال ارائه یک سبک زندگی جهانی برای انسان است. شاهکار امام حسین علیه السلام این است که تمامیت توحید را در ابعاد مختلف حرکت خویش، عملی کرده و این یک نحوه زیستنی است که کامل و فراگیر است و می‌شود به جهان گفت که امام حسین علیه السلام و منظومه ارزشی و علمی او، یک مجموعه نجات بخش و به نوعی الهیاتی بخش جهانی است.

کامل‌ترین الهیاتی‌های بخش جهان، پس از پیامبر اکرم و امام علی علیه السلام، در حرکت امام حسین علیه السلام دیده می‌شود. امام حسین علیه السلام، انسان را از عقلش، هوای نفس را از جهلش و مردمان را از حاکمان ظالم، رهایی می‌بخشد.

جریان اربعین، نیاز به یک راهبری جهانی و انسانی دارد. اربعین را باید از قید و بندهای گروه‌ها آزاد کرد؛ یعنی همان‌طور که در ذیل جریان امام علی علیه السلام، مذاهب

سه شبهه پرتکرار اربعینی

پاسخ به شبهه‌های درباره پیاده روی اربعین

شبهه روز

سازگار نیست؛ زیرا پشتوانه اختیار و انتخاب عاشقانه دارد. هیچ یک از افرادی که در اربعین شرکت می‌کنند، به اجبار در این وادی، گام نگذاشته‌اند؛ بلکه همه از سر صدق، عشق، علاقه و شوق وافر، به پیاده روی اقدام کرده‌اند.

اشکال دوم: اختلاط زن و مرد

اختلاط زن و مرد، در محیط بسته معنا پیدا می‌کند و در محیط باز و آزاد و در حال حرکت، اختلاط مصداق ندارد. هر فردی در کنار خانواده خود و بانوان با حفظ حجاب اسلامی و پوشش کامل، در کنار همسر و فرزندان خود در این اجتماع باشکوه، شرکت می‌کنند. اینجا اختلاط نیست؛ بلکه اجتماعی باشکوه با حفظ شرایط شرعی است. ورودی حرم مطهر، برای بانوان، جداست. مشترک بودن راه، دلیل مختلط بودن یا به معنای اختلاط در یک محل نیست. این نوع از اختلاط، ضمن اینکه مصداق اختلاط حرام نیست و فقهای عظام گذشته و حال، فتوا به منع نداده‌اند. اختلاطی که از ازدحام ناشی می‌شود، مثل اختلاط در مراسم حج، نماز جمعه، نماز اعیاد فطر و قربان و پیاده روی برای زیارت امام حسین علیه السلام و ازدحام داخل حرم شریف، خود به خود حرام نیست؛ بلکه نظر فقها، اجتناب از اختلاطی است که منجر به عمل حرام شود. پیاده روی اربعین، هدفی مشروع و مقصدی مقدس دارد و از ناهنجاری‌های غیر شرعی، پاک و مبرا است.

اشکال سوم:

هزینه‌های مالی زیاد پیاده روی و نیاز فقرا

در طول سال، میلیون‌ها سفر خارجی از ایران برای تفریح انجام می‌شود که هزینه‌هایی گزاف دارد. حتی سفرهای داخلی کشور نیز هزینه‌های زیادی با خود به همراه دارد؛ اما برخی به سفر زیارتی اربعین - که با کمترین هزینه و پای پیاده انجام می‌شود - به بهانه‌هایی ایراد می‌گیرند؛ در حالی که این اجتماع باشکوه، فواید زیاد معنوی، سیاسی و بین‌المللی برای جهان اسلام و مسلمانان دارد و بسیاری از توطئه‌ها و نقشه‌های دشمنان اسلام را خنثی می‌کند و در عصر رسانه، پیام بزرگی برای همه بشریت دارد.

بخش بزرگی از پیاده روی اربعین، کاملاً مردمی و خودجوش است که هرگز برای آن، هزینه‌های دولتی در نظر گرفته نشده است؛ حتی در این همایش عظیم، مردم به دولت کمک می‌کنند و دولت عراق و ایران، با دریافت مبالغی از مردم و نیکوکاران، بخشی از کاستی‌های خود را جبران می‌کنند. ضمن اینکه برکات اقتصادی برای ملت‌های ایران و عراق و کشورهای مجاور نیز دارد.

در این اجتماع بزرگ دینی بی‌نظیر تاریخ، هیچ هزینه‌ای از سهم فقرا مصرف نمی‌شود؛ بلکه این اجتماع عظیم، با برنامه‌ریزی و تدابیر مسئولان دو کشور و مدیریت و هدایت منسجم هوشمندانه، برای فقرا نیز راهگشا و ثمربخش خواهد بود.

□ امیر علی حسنلو

اشکال اول: اضرار به خود

زیارت اولیای الهی، به ویژه پیامبر اکرم و ائمه اطهار، مانند حضور در محضر آنان در زمان حیاتشان شمرده می‌شود. در این میان، زیارت امام حسین علیه السلام همواره با خطر، سختی و ترس بوده، زائران آن حضرت، بارها در کنار قبر مطهر ایشان، کشته، حبس یا شکنجه شده‌اند و قبور شهدا، ویران گردیده است.

منظور از بیان این‌گونه مسائل، روشن کردن سختی زیارت آن حضرت است که همواره ناامنی در این راه وجود داشته است. بنابراین، در روایات معتبر شیعه، پاداش زیارت آن حضرت، معادل چندین حج و عمره مقبول، ذکر شده است.

اما برای بحث اضرار، ابتدا باید مفهوم آن، روشن شود. اضرار، یعنی ضرر زدن به جسم و آسیب رساندن به سلامتی و نقص عضو که در شرع، منع شده و حرام است. تاکنون دیده نشده است افرادی که به پیاده روی اربعین می‌روند، از این ناحیه، ضرری به آنها رسیده باشد یا کسی به سبب پیاده روی، ضرری دیده باشد. صرف پیاده روی، مصداق اضرار نیست. اتفاقاً بسیاری از افراد، در خاطرات خود گفته‌اند که این سفر، بهترین سفری بوده که تاکنون تجربه کرده‌اند. چه بسا بسیاری از مشکلات روحی و جسمی، در این راه، درمان شده است. از نظر علمی نیز پیاده روی، بهترین ورزش است و هرگز از نظر پزشکی، منعی از نفس پیاده روی نشده است؛ بلکه بسیاری از بیماری‌ها، بدین وسیله، درمان می‌شود. اضرار به نفس، از نظر شرعی، حرام است. از طرفی، در سیره اهل بیت نیز هست که پیاده به زیارت خانه خدا رفته باشند. در سیره امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمده که ۲۵ بار پیاده به زیارت خانه خدا رفتند. در سیره فقها و علمای سلف و صالحان و مؤمنان از مجاوران کربلا و نجف نیز این سیره حسنه، گزارش شده است.

خودآزاری در جایی معنا دارد که شخص مجبور باشد به خاطر شرایط خاص، خود را به رنج و اذیت و آزار تا به مقاصد مادی و امیال خاصی برسد؛ مثل اینکه شرط بندی کند که وزن سنگینی را حمل کند و از این راه، به مقاصد مادی برسد؛ در حالی که پیاده روی اربعین، هرگز با این مفاهیم



اربعین، روزنه نوری در جهان تاریک امروز

روانداشته و دامن‌های پاک و دارای اصالت و شرف و خاندان دارای همت والا و عزت نفس، هرگز اجازه نمی‌دهند که اطاعت فرومایگان را بر مرگ شرافتمندانه، ترجیح دهند»^۱.

حضور سایر فرق اسلامی و حتی غیرمسلمانان در همایش عظیم اربعین، بیانگر ابعاد فرادینی و نمایش وحدت مذاهب و ادیان است. نقطه کانونی تقابل در گفت‌وگو اربعین، تقابل با ظلم و سلطه است و این، همان چیزی است که نظام سلطه را نگران ساخته است.

همان‌گونه که قیام امام حسین علیه السلام و پیام‌ها و ارزش‌های مطرح شده از سوی آن حضرت، زمان و مکان را در نور دیده و فطرت و وجدان انسانی را مخاطب قرار داده است، نهضت اربعین نیز فراتر از دین و مذهب، انسانیت را هدف قرار داده، به دنبال گسترش دامنه این بارقه نور به سراسر جهان است.

رهبر معظم انقلاب، چه زیبا راهپیمایی عظیم اربعین را توصیف فرموده است:

«اربعین، جهانی شد و جهانی‌تر هم خواهد شد؛ این خون حسین بن علی علیه السلام است که بعد از ۱۴۰۰ سال، دارد می‌جوشد و روز به روز تازه‌تر و زنده‌تر می‌شود؛ این همان پیام عاشورا است که از حلقوم ابا عبدالله و حلقوم زینب کبری، در نهایت غربت و تنهایی، صادر شد و امروز فضای عالم را فرا گرفته است و فرامی‌گیرد. حسین علیه السلام متعلق به انسانیت است. ما شیعیان افتخار می‌کنیم که پیرو امام حسین هستیم؛ اما امام حسین فقط متعلق به ما نیست؛ مذاهب اسلامی، شیعه و سنی، همه زیر پرچم امام حسین هستند. در این راه‌پیمایی عظیم، حتی کسانی که متدین به اسلام هم نیستند، شرکت می‌کنند و این رشته، ادامه خواهد داشت ان شاء الله؛ این یک آیت عظمایی است که خدای متعال، دارد نشان می‌دهد. در روزگاری که دشمنان اسلام و امت اسلامی، با انواع و اقسام ابزارها و وسایل، با پول، با سیاست، با سلاح، علیه امت اسلامی کار می‌کنند، خداوند متعال، ناگهان حادثه راه‌پیمایی اربعین را این جور عظمت می‌دهد؛ این جور جلوه می‌دهد. این آیت عظمای الهی است؛ این نشانه اراده الهی بر نصرت امت اسلامی است؛ این نشان می‌دهد که اراده خدای متعال، بر نصرت امت اسلامی تعلق گرفته است»^۲.

گاهی به جمهوری اسلامی خُرده گرفته می‌شود که اربعین را به ابزاری برای حکومت خود تبدیل نموده است؛ غافل از آنکه اساساً چنین حرکت عظیمی را یک حکومت نمی‌تواند به راه بیندازد و این حرکت، به برکت خون مطهر سرور و سالار شهیدان و ناله‌های زینب کبری علیها السلام به ثمر نرسد.

گاهی به جمهوری اسلامی خُرده گرفته می‌شود که اربعین را به ابزاری برای حکومت خود تبدیل نموده است؛ غافل از آنکه اساساً چنین حرکت عظیمی را یک حکومت نمی‌تواند به راه بیندازد و این حرکت، به برکت خون مطهر سرور و سالار شهیدان و ناله‌های زینب کبری سلام الله علیها به ثمر نرسد. روزنه نوری در جهان تاریک امروز است و نویدبخش جوشش ارزش‌ها و معنویت، به سراسر جهان و برچیده شدن بساط ظلم و بی‌عدالتی و پایانی بر سیطره سکولاریسم خواهد بود.

هرچند اربعین دارای خاستگاه شیعی است، اما اختصاصاً به شیعیان ندارد و همچون امام حسین علیه السلام و نهضت ایشان، ابعاد فرامذهبی و فرادینی دارد و فطرت و وجدان انسان‌ها را هدف قرار داده است. ندای «هیئات منالذله» ایشان، فارغ از دین و مذهب، وجدان انسان‌های بیدار و آزاده را هدف قرار داده، همان‌گونه که خود ایشان خبر داده است: «خداوند، پذیرش ذلت را بر ما و بر پیامبر و مؤمنین،

علی مجتبی زاده

پی‌نوشت:

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸.
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از موکب داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷.



اربعین حسینی ویکی پاسخ

پرسش: اربعین چه روزی است؟ آیا زیارت اربعین و پیاده روی برای این زیارت، مستحب است؟

زیارت اربعین، بیان نشده است. الحاق سر امام حسین علیه السلام به بدن ایشان توسط امام سجاد علیه السلام، در روز اربعین و بقیه سرهای شهدا، از دیگر عوامل اهمیت روز اربعین و زیارت آن است.

پیاده روی اربعین

روایات فراوانی در باب ثواب و اهمیت زیارت حرم امام حسین علیه السلام آمده است. در کتاب «کامل الزیارات»، روایات زیادی وجود دارد که دلالت بر فضیلت پیاده روی در زیارت امام حسین علیه السلام دارند؛ اما صحبتی از پیاده روی در اربعین نشده است. در حدیثی در این کتاب، آمده است: «کسی که پیاده به زیارت قبر امام حسین علیه السلام برود، خداوند متعال، به هر قدمی که برمی دارد، هزار حسنه برایش ثبت و هزار گناه از وی محو می فرماید و هزار درجه مرتبه اش را بالای می برد».

پیاده روی زیارت اربعین، به ویژه از نجف تا کربلا، سیره برخی از عالمان دینی بوده است. محدث نوری، سید محسن امین عاملی، شیخ محمدحسین غروی اصفهانی و میرزای نائینی، از عالمانی هستند که در این مراسم شرکت کرده اند.

در برخی منابع، از گونه ای پیاده روی زیارتی در زمان حیات امامان شیعه سخن گفته اند؛ اما طبق قول مشهورتر، سابقه این آیین، به میانه قرن سیزده برمی گردد و شیخ مرتضی انصاری، از عالمان شیعه، از مبدعان اصلی آن بوده است.

کربلا را در روز اربعین، تقویت کرد و سخنان آنان که معتقدند کاروان اهل بیت، در کربلا با جابر و همراهانش ملاقات کردند و به عزاداری پرداختند، پذیرفت. آیت الله ناصر مکارم شیرازی در رد بُعد مسافت، اعتقاد دارد که اگر بتوان لشکری یکصد هزار نفری را طی مدت ده روز به کوفه رساند، رسیدن کاروانی کوچک در مدت ۱۲ روز به کربلا مشکلی ندارد.

استحباب زیارت اربعین

از سنت های اربعین حسینی در میان شیعیان، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است. مهم ترین موضوع درباره اربعین، روایتی از امام حسن عسکری علیه السلام است که نشانه های مؤمن را پنج چیز می داند که یکی از آنها، زیارت اربعین است. این حدیث، تنها مدرکی است که جدای از خود زیارت اربعین - که در منابع دعایی آمده - به اربعین امام حسین علیه السلام و بزرگداشت آن روز، تصریح کرده است. شیخ طوسی می گوید در این روز، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است.

یکی دیگر از علت های استحباب زیارت اربعین، روایتی از امام صادق علیه السلام است که زیارت اربعین را به صفوان بن مهران جمال، تعلیم داده و در آن، به بزرگداشت اربعین، تصریح نموده است. علامه مجلسی معتقد است که در اخبار، علت استحباب

اربعین حسینی، چهلم شهادت امام حسین علیه السلام است که در روز دهم محرم سال ۶۱ ق. به شهادت رسید. جوامع شیعی، هر سال این روز را گرامی می دارند و به عزاداری می پردازند. به زیارت امام حسین علیه السلام در روز اربعین، سفارش شده است. در برخی منابع تاریخی آمده است که در روز اربعین، اسرای کربلا، به زیارت مزار امام حسین علیه السلام رفتند. این قول را بعضی مورخان و عالمان، از جمله شهید مطهری نقد کرده اند. در کتاب های تاریخی، نقل شده است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی پیامبر اکرم، در اولین اربعین، قبر امام حسین را زیارت کرده است. از این جهت، اربعین برای شیعیان، مهم تلقی شده، عزاداری و زیارت حرم امام حسین علیه السلام در هر سال، از مناسک و آداب دینی شیعیان شمرده می شود. روایاتی نیز در باب ارزش و فضیلت پیاده روی برای زیارت حرم امام حسین علیه السلام آمده است.

بازگشت اسرای کربلا در اولین اربعین

حضور اسرای کربلا در اولین اربعین شهادت امام حسین علیه السلام بر سر مزار آن حضرت در کربلا، از مسائلی است که برخی محققان شیعه در قرون اخیر، درباره آن تشکیک کرده اند. در مقابل، برخی دیگر از اندیشمندان، درصدد رد این تشکیک و اثبات اربعین اول برآمده اند. آنچه بسیاری از منابع کهن، از آن سخن گفته اند، این است که در این روز، سر امام حسین علیه السلام به بدنش ملحق شده است.

عده ای مانند شیخ بهایی، معتقدند روز ۲۰ صفر، یعنی اربعین، زمانی است که اهل بیت امام حسین، یعنی کاروان اسرا، از شام به کربلا رسیدند. سید بن طاووس، در اواخر عمر، نقدی بر این موضوع نوشته است. علامه مجلسی، میرزا حسین نوری، شیخ عباس قمی، ابوالحسن شعرانی، سید جعفر شهیدی و شهید مطهری، از منکران این واقعه هستند. شیخ طوسی و شیخ مفید، در آثارشان تصریح کرده اند که اهل بیت، از شام به مدینه رفتند. منکران این واقعه، اعتقاد دارند با توجه به اینکه ابن زیاد، مدتی اسرا را در کوفه نگه داشته و زمانی که در این مدت صرف شده و زمانی که در مسیر رفت به شام و اقامت یک ماهه در آنجا و بازگشت مورد نیاز است، بعید است که اهل بیت امام حسین، در اربعین به مدینه یا کربلا رسیده باشند. سید محمدعلی قاضی طباطبائی، در کتاب «تحقیق درباره اولین اربعین حضرت سیدالشهداء» ثابت می کند که آمدن اسرا از شام به کربلا در نخستین اربعین، بعید نیست. برخی محققان گفته اند از مجموع شواهد و قرائن، می توان ورود اهل بیت به



از مدینه تا مدینه، کاروان حماسه

واقعه کربلا، نهضتی است زنده و الهام بخش و همین است که حتی پس از گذشت قرن ها نیز تأثیر عمیق آن، همچنان در دل آزادگان جاری است.

برنامه تلویزیونی «از مدینه تا مدینه، کاروان حماسه»، به مدت شصت و یک دقیقه (نماد سال ۶۱ هجری) و بر اساس اسناد تاریخی، به روایت مسیر حرکت کاروان امام حسین علیه السلام می پردازد که از مدینه النبی آغاز و به همان جا ختم گردید و وقایع این روزها را تا حدی شرح می دهد.

عنوان: قصه کربلا و ماتم عاشورا از مدینه تا مدینه؛ کاروان حماسه

موضوع اصلی: یازده گفتار کربلایی بانگهای تاریخی، اخلاقی، معنوی و معارفی



ماهنامه پویا مطالعاتی دانش جوان و طلاب جوان
مرکز مطالعات و پاسخ گویی به شبهات (حوزه های علمیه)
شماره مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: ۹۲۲۲۱

www.Shobhe.pasokh.org

pasokh.org | spasokh.com

wikipasokh.com

pasokh.tv | shobhepajouhi.ir



ماهنامه ویژه پویا مطالعاتی
دانش جوان و طلاب جوان
شماره مجوز: ۱۴۰۲